

## نسبت بین فیزیک اتم گرایی کلام به مادی گرایی و الحاد در رویکردی تحلیلی

بنفشه افتخاری\*

### چکیده

تاریخچه اتم گرایی، به یونان باستان می‌گردد. اتم گرایی یونان، نظریه ماتریالیستی (مادی-گرا)، علی و مکانیکی بود. اتم گرایی، چه اتم گرایی یونان و چه اتم گرایی جدید (بعد از قرن هفدهم) از جهاتی یک نظریه مادی گرا به شمار می‌رود. در قرون وسطی در جهان اسلام نیز نوعی نظریه اتم گرایی برای تبیین طبیعت توسط متکلمین معتزلی و اشعری ارائه شد. بر خلاف اتم گرایان یونان، متکلمان مسلمان، متأله بودند و نام متکلم را از جهت پایبندی‌شان به تعالیم اسلام و قرآن یدک می‌کشند. با این وجود نظریه‌ای که در جهان طبیعت ارائه دادند که از جهاتی با سایر نظریات اتم گراییه مشابهت دارد. این نکته جالب توجه است که اتم گرایی کلام توسط نظریه پردازانی ارائه شده‌اند که در بحث قدرت مطلقه خداوند، به شدت رادیکال هستند. در این جستار، اینجانب قصد دارم که پس از معرفی نظریه اتم گرایی کلام، به ساختار متافیزیکی اتم گرایی کلام بپردازم؛ اینکه چه اصول اعتقادی مبنای نظری متافیزیک کلام است. در ادامه، تحلیل خواهم نمود که چگونه نظریه پردازان متأله برای حفظ اصول متافیزیکی خود، نظریه‌ای را در فیزیک ارائه داده‌اند که به مادی گرایی و طرد متافیزیک در فیزیک می‌انجامد، ولیکن یک نظریه الحادی نیست.

**کلیدواژه‌ها:** اتم گرایی؛ اتم گرایی کلام؛ ماده گرایی؛ متافیزیک؛ فیزیک کلام؛

\* دکترای تاریخ و فلسفه علم، پژوهشگر در پروژه فاسیف وابسته به دانشسرای عالی و مرکز تحقیقات فرانسه،  
b.eftekhari@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۶

## ۱. مقدمه

در میان نظریات اتم‌گرایانه یونان باستان<sup>۱</sup>، آنچه از نظریات طبیعی آنها می‌دانیم، با تفاوت‌هایی که در دیدگاه‌هایشان نسبت به مسائل اخلاقی و الهی وجود دارد، ولی نظریاتشان در مورد جهان طبیعت، مکانیکی و مادی‌گراست. محور مشترک همه نظریات اتم‌گرایانه این است که جهان محسوس ما از اتم‌ها تشکیل شده‌اند. واژه اتم، به معنای تجزیه‌ناپذیر است و دلالت بر غیر قابل تقسیم بودن اتم، کوچکترین واحد تشکیل دهنده جهان مادی و محسوس دارد.<sup>۲</sup> بر اساس این دیدگاه، پدیده‌ها و تغییرات محسوس در جهان، وابسته به تغییرات در دنیای اتم‌هاست. چنین دیدگاهی در برابر، فلسفه ذات‌گرایانه ارسطویی قرار دارد. در نگاه ذات‌گرایانه ارسطویی، اشیاء، ماهیات و ذوات مستقل دارند؛ تغییرات در آنها وابسته به خصوصیات ذاتی و ماهوی آنهاست. ناچاریم ویژگی‌های ذاتی اشیاء و نحوه‌ای که ارسطو آنها را طبقه‌بندی کرده را بفهمیم تا علت تغییر در آنها را درک کنیم. چراکه در جهان ارسطویی، تغییرات، علتی ناشی از ذات اشیاء دارند. به بیانی، باید متافیزیک بدانیم تا فیزیک را بفهمیم. حال آنکه در فیزیک اتم‌گرایانه، توضیح تغییرات، وابسته به رفتار اتم‌هاست؛ اتم‌های شناور در تراکش علی، بدون غایت خاصی، تغییرات جهان را رقم می‌زنند. در دنیای اسلام نیز، مشابه این دو نگرش، در برابر یکدیگر قرار گرفتند. در یک سو، مشایبان بودند که برداشت ذات‌گرایانه‌ای از موجودات داشتند. در سوی دیگر، متکلمان بودند که وجود را مقدم بر ذات و ماهیات موجودات می‌دانستند.<sup>۳</sup> متکلمان، به دلایل اعتقادی، هر نوع تقدم بر وجود را، خلاف شان قدرت مطلقه پروردگار و آفرینش جهان مادی توسط باری تعالی می‌دانستند. برای متکلمان، نظام جهان‌شناسی که برای هستی در نظر می‌گرفتند، مستثنی نبود و می‌بایست حضور مستقیم پروردگار، شالوده اصلی نظریه پردازی آنها باشد. در همین راستا، آنها نظریه‌ای اتم‌گرایانه را برای تبیین طبیعت پروراندند که به خوبی از مبانی اعتقادی‌شان پشتیبانی می‌کرد. با این حال، این سوال هست، چه شباهتها و چه تفاوت‌هایی بین اتم‌گرایی متکلمان<sup>۴</sup> و سایر نظریات اتم‌گرایانه هست که علی‌رغم شباهت در نحوه تبیین آنها از جهان مادی، برداشت‌های عقیدتی متفاوتی را در پی دارند. چنانکه خواهیم دید، اتم‌گرایی کلام، نوعی اعتقاد به غیر علی بودن و تصادفی بودن رویدادهای طبیعی را در پی دارد که افرادی چون ابن رشد، این دیدگاه خلاف باورهای قرآنی دانسته<sup>۵</sup> و حتی امروزه با اندیشه‌های الحادی معادل دانسته شده و جا دارد که این مسئله با دقت بیشتری تحلیل گردد.

این مقاله از دو بخش تشکیل شده است، در بخش نخست، مبانی مشترک اعتقادی و شالوده جهان‌شناسی اتم‌گرایی کلام ارائه می‌شود. در بخش دوم، با رویکردی تحلیلی، سعی خواهیم نمود که به ابزارهایی برای مقایسه و تطبیق این نظریه با سایر نظریات مشابه دست بیابیم. و در نهایت از چارچوب به دست آمده، به این نکته خواهیم پرداخت، که چگونه است که نظریه ای خداپاورانه نسبتاً رادیکالی چون اتم‌گرایی کلام، می‌تواند با نظریات مادی‌گرا و بعضاً ملحدانه در یک دسته قرار گیرد.<sup>۶</sup>

## ۲. مبانی متافیزیکی اتم‌گرایی کلام و فیزیک آن

### ۱.۲ فیزیک و متافیزیک

قبل از ورود به بحث، لازم است که مفاهیم مد نظر تعریف شوند. فیزیک علمی است که به شناخت طبیعت می‌پردازد. از نظر ارسطو علمی است که موضوعش جوهر است از آن جهت که متحرک است (Aristotle, Metaphysics, 2018, Book K (4)). حرکت به مفهوم هر نوع تغییر<sup>۷</sup> قلمداد می‌شود. تغییر در ویژگی‌های جوهر چه به لحاظ کمی و یا کیفی.<sup>۸</sup> در جهان اسلام در طبقه بندی و تعریف مجدد علوم، فارابی فیزیک را علم اجسام طبیعی و اعراض قائم به آن خواند (فارابی، ۱۹۹۶، ص ۶۷). این تعریف اگر چه وابستگی بیشتری به اصطلاحات منطوق و مقولات دارد، ولیکن فی نفسه چون تعریف ارسطو بر حرکت دلالت دارد.<sup>۹</sup>

در این مقاله، نظریات متکلمانی مد نظر است که نحله ای بودند که پایبندی به تعاریف ارسطو یا فارابی در جهان‌شناسی خود نداشته‌اند.<sup>۱۰</sup> با این حال، آنها صاحب نظریاتی در شناخت طبیعت و تبیین حرکت بودند که می‌توان با نظریات فلاسفه هم‌ارز قرار داد. بنابراین، به طور کلی، واژه‌ای که در این مقاله فیزیک می‌خوانیم، علم حرکت در جهان محسوسات ماست، اینکه حرکت چیست چگونه توصیف می‌شود و چگونه تبیین می‌گردد.

همچنانکه در تعریف فیزیک، از تعریف ارسطو قرض گرفته‌ایم، در تعریف متافیزیک نیز، از تفکیک ارسطو بهره می‌جویم. ارسطو در تفکیک فیزیک و متافیزیک، موضوع هر دو را موجود خوانده است. متافیزیک از آن جهت به موجود می‌پردازد که هست و فیزیک از آن جهت که موجود متحرک است. بدین ترتیب، فیزیک در اولوی پسین نسبت به

متافیزیک قرار می‌گیرد. یعنی برای مطالعه موجود اول بحث بودن یا نبودن یا چگونه بودن آن است و اگر دانستیم که آنچه هست، متحرک است، یعنی قابلیت تغییر دارد و بخواهیم حرکتش را بررسی کنیم، وارد حیطه فیزیک می‌شویم.<sup>۱۱</sup>

در مواجهه با آراء متکلمان، بحث پیچیده می‌شود. چراکه متکلمان برای ماهیت موجودات، وجودی پیش از بودن آنها قائل نبودند. به عبارتی تنها هست مطلق، خداوند است و همه موجودات، چه عینی، چه ذهنی و اعتباری، همگی حادث هستند. به عبارتی تا وجود نداشته باشند، معنا و مفهومی ندارند. به زبان امروزی، متافیزیک ارسطویی، یک متافیزیک ذات‌گرایانه است و می‌توان درباره اوصاف و ویژگی‌های موجودات، قبل از اینکه موجود باشند، بحث کرد. ولیکن متافیزیک کلام غیرذات‌گرایانه است<sup>۱۲</sup> و فارغ از اینکه درباره چه چیزی بحث شود، ذاتیات ماهیات مقدم بر بودن آنها نیست.<sup>۱۳</sup> با این مقدمات، وارد مبانی متافیزیکی و فیزیکی کلام می‌شویم.

## ۲.۲ شاخص‌های متافیزیکی و هستی‌شناسانه کلام

برداشت متداول از علم کلام اسلامی، نظام فکری است که اندیشمندان مسلمانان در مواجهه با اندیشه‌های فلسفی بخصوص یونانی، به دفاع از دین به روش عقلی می‌پردازد. در پی تقابل متکلمان با یونانی‌مآبی غالباً کلام در شمار نحله‌های فلسفی نمی‌آید. با این وجود، در معنای کلی فلسفه، به عنوان یک نظام استدلالی و عقلانی، خود یک نظریه مستقل فلسفی است.<sup>۱۴</sup> در واقع کلام، مبتنی بر برداشت‌های خود از وحی و دین، یک نظام هستی‌شناسانه مستقلی را در چارچوبی مدل عرضه می‌کند.<sup>۱۵</sup> با این اوصاف، نظام هستی‌شناسانه کلام، مبتنی بر برداشت آنها از قرآن است، و شاخص‌های اصلی آن را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:<sup>۱۷۱۶</sup>

۱. جهان حادث از هیچ است: نص قرآن کریم، بر خلقت جهان و شروع جهان از یک نقطه آغازین دلالت دارد.<sup>۱۸</sup> متکلمان نیز بر همین اساس، از حدوث جهان دفاع کرده‌اند. اگر چه، حکما نیز، بر خلقت جهان و نص قرآن بر آن وفاق دارند، ولی آنچه مورد اختلاف متکلمان و حکماست، خلقت از هیچ است، به صورتی که نه جواهر و نه اعراض هیچیک نبودند (جوینی، ۱۹۹۵: ۱۲-۱۳) و عدم مطلق برقرار بود.<sup>۱۹</sup> در چنین برداشتی، ماده بر خلاف رای اکثریت حکمای مشائی قدیم نیست (Wolfson(1976), P:355-465).

نسبت بین فیزیک اتم‌گرایی کلام به مادی‌گرایی و الحاد در رویکردی ... ۵

۲. جهان فانی است: همچنانکه قرآن به خلقت و شروع جهان مادی اشاره شده، خبر از نیست شدن و نابودی جهان مادی هم می‌دهد.<sup>۲۰</sup> در این مسئله هم، تاکید متکلمان و محل اختلافشان با سایر نحله‌ها، هیچ شدن جهان مادی بود که با مفهوم ازلی ماده در تضاد است.<sup>۲۱</sup>

۳. جهان متکثر است: در قرآن، لفظ عالم به معنی جهان، معمولاً به شکل جمع آمده است.<sup>۲۲</sup> متکلمان نیز با الهام از قرآن، در نظریات خود، از تکثر جهان دفاع کرده و آن را بر اساس تعالیم وحی<sup>۲۳</sup> از نشانه‌های خداوند می‌دانستند (Setia(2004)). از طرفی دفاع از تکثر در جهان مادی، به نفی نظریه وحدت وجود می‌انجامد که متکلمان دلایل مختلفی برای نفی آن داشته‌اند.<sup>۲۴</sup>

۴. جهان علی نیست: اغلب متکلمان، به خصوص متکلمان اشعری، علیت را رد نموده‌اند. آنها تلاش برخی از فلاسفه را برای توجیه علی معجزات و پدیده‌های طبیعی نکوهیده آن را خلاف باور به قدرت مطلق خداوند می‌دانستند.<sup>۲۵</sup>

۵. خالق و مخلوق متباینند:<sup>۲۶</sup> از دید متکلمان، جهان هستی فعل خداست و جدای از وی است.<sup>۲۷</sup> اگر در نظریه جهان‌شناسی، خداوند بخشی از نظریه باشد، دون‌شان پروردگار است و چستی ذات خداوند از فهم بشر به سبب حصار در حیات دنیوی ممکن نیست. (رازی، المطالب العالیه، ج ۲، ص ۸۸)<sup>۲۸ ۲۹</sup>

مواردی که به شکل فشرده، ارائه شد، تقریباً مورد اجماع اغلب متکلمان می‌باشد و در نظریات جهان‌شناختی خود، پایبند به این اصول بوده‌اند. با همه اختلافاتی که در آراء و جزئیات استدلال‌های آنها مشاهده می‌شود، می‌توان نظریاتشان را در این کلیت جای داد. حال می‌خواهیم به نظریه اتم‌گرایی کلام که مورد قبول تقریبی اکثریت متکلمان معتزلی و اشعری است بپردازیم.<sup>۳۰</sup>

## ۳.۲ اتم‌گرایی کلام

آنچه اتم‌گرایی کلام خوانده می‌شود، نوعی نظریه اتم‌گرایانه است که نخست متکلمان معتزلی و سپس اشعری از آن دفاع کرده‌اند. نخستین نشانه‌های طلوع نظریه اتمی متکلمان به ابو‌هذیل علاف<sup>۳۱</sup> و مدرسه معتزلی بصره در قرن دوم هجری برمی‌گردد. در بدو امر، دچار تشقت و چندگانگی در مبانی و مسائلش بود. با گذشت زمان، شکل یک‌دست‌تر و

کامل تری به خود گرفت. اتم‌گرایی کلام در دوره های مختلف و در نزد متکلمان مختلف معتزلی و اشعری، تفاوت هایی دارد. با این حال در ارتباط با شاخص های متافیزیکی که در بخش قبل توضیح داده شد، می توان چارچوب کلی اشتراکات آنها را یافت.

در مدل اتم‌گرایی کلام، همچنانکه از نامش پیداست، در مفهوم عام اتم‌گرایی، جهان مادی و اجسام از اتم تشکیل شده‌اند. در اینکه این اتم صرفاً، فیزیکی یا مادی باشد، یا اتم مفهومی و ریاضی، بحث فراوانی وجود دارد.<sup>۳۲</sup> در هر صورت، چه اتم را صرفاً مادی بدانیم و چه ریاضی، جهان مادی ترسیم شده توسط متکلمان اتم‌گرا، متشکل از اتم‌ها است. اجسام چه مرکب و چه بسیط همگی از اتم تشکیل شده‌اند. به عبارتی تنها عنصر بسیط نزد متکلمان<sup>۳۳</sup>، اتم است و به همین دلیل، بسیاری از متکلمان، لفظ جوهر یا جوهر فرد را بر اتم اطلاق کرده‌اند، چرا که تنها موجودات قائم به خود، از نظر ایشان اتم‌ها هستند.

نه تنها جهان مادی ما، بلکه علی‌الاصول، طول و ابعاد به لحاظ مفهومی و نظری، دارای یک کمینه تقلیل‌ناپذیر است. یعنی بر خلاف دیدگاه ارسطویی و مشائی است که طول و ابعاد را تا بی‌نهایت تقسیم‌پذیر می‌دانستند (افتخاری ۱۳۹۷). نه تنها طول، بلکه هر امتدادی مانند زمان نیز دارای یک کمینه است. نقطه کمینه طول و «آن»، یک لحظه تقسیم‌ناپذیر، کمینه زمان است. متعاقباً، همچنان که طول و زمان اتمی و متشکل از تجزیه‌ناپذیرهاست، حرکت و تغییر نیز اتمی است. تغییری که در یک لحظه، در یک «آن»، در مکانی به ابعاد یک اتم رخ می‌دهد، یک اتم حرکت می‌باشد.<sup>۳۴</sup> بدین ترتیب، جهانی که متکلمان توصیف می‌کنند، جهانی متکثر از انواع اتم‌هاست.

اتم‌ها، اگر چه توسط متکلمان، جوهر خوانده شده‌اند، ولی وجود قائم به ذات و پیشینی، آنطور که از متافیزیک ارسطویی - سینوی برداشت می‌شود، ندارند. اتم‌ها بدون هیچ ویژگی ذاتی توسط خالق، خلق می‌شوند. اتم‌ها، بنا به اراده پروردگار، پس از خلق در جهان هستی، دارای ویژگی می‌شوند یا اصطلاحاً اعراض بر آنها، حلول می‌کنند.<sup>۳۵</sup> بنابراین، جهان در باور متکلمان اتم‌گرا از هیچ حادث می‌شود.<sup>۳۶</sup>

در نظام استدلالی متکلمان، قانونی خلاف رای ارسطویان وجود دارد، که قیام عرض به عرض جایز شمرده نمی‌شود.<sup>۳۷</sup> یعنی یک ویژگی عرضی جز بر یک جوهر نمی‌تواند قائم شود.<sup>۳۸</sup> بر این اساس، وقتی اتم در یک لحظه خاص و در یک مکان خاص خلق می‌شود، متعلق به لحظه دیگر و مکان دیگری نیست. اگر بخواهد زمان و مکانش تغییر کند، لازم است که عرض بقا بر عرض خاص آن لحظه عارض شود که مجاز نیست. پس در لحظه

دیگر، اتمی مجدداً با عرض زمان و مکان خاص آن لحظه خلق می‌شود. بر اساس این دیدگاه، جهان در هر لحظه دوباره آفریده و خلق می‌شود. در چنین نظامی، از یک طرف جهان فانی است و تنها به اراده پروردگار است که جهان تداوم می‌یابد و در صورتی که خداوند نخواهد، جهان به نیستی و هیچ بر می‌گردد.<sup>۳۹</sup> از طرفی هر تغییر و هر کنش و واکنش، نتیجه باز آفرینی اتم‌هاست و در چنین دیدگاهی توجیه پدیده‌های طبیعی، علی نخواهد بود.

جهان محسوس ما، متشکل از اتم‌هاییست که خداوند خلق می‌کند و این اتم‌ها هیچ وجود پیشینی ندارند.<sup>۴۰</sup> این جهان، فعل خدا و خلقت خداست و متباین از خداوند است. به این ترتیب، نظریه اتم‌گرایی کلام، نظام جهان‌شناسانه‌ای را ارائه می‌کند که قادر به برآورده کردن خواسته‌های متافیزیکی متکلمان بود؛ جهانی متکثر، حادث، فانی، غیر علی و جدای از وجود پروردگار.

## ۴.۲ فیزیک اتم‌گرایی کلام

چنانکه گفته شد، در نگاه متکلمان جهان متشکل از اتم‌هاست و اتم‌ها در هر لحظه آفریده شده و در لحظه دیگر، اتم‌های دیگر آفریده می‌شود. این توصیف، نگاهی هستی‌شناسانه به اتم‌گرایی کلام است. در این بخش، بیشتر با رهیافتی معرفت‌شناسانه به اتم‌گرایی کلام خواهیم پرداخت. به این ترتیب که از نگاه من انسان که در جهان محسوس زندگی می‌کنم، بر اساس اتم‌گرایی کلام، تغییرات را چگونه خواهیم دید. به عبارتی ناظر قائل به اتم‌گرایی کلام، تغییرات را در جهان متحرک چگونه توضیح خواهد داد و از این رهیافت، او واضع فیزیک خواهد بود که ما آن را فیزیک کلام می‌خوانیم.

ناظری که در جهان محسوس ما قرار دارد، دریافت کرده که جوهر یا اتم  $t_1$  را در  $t_1$  و در مکان  $x_1$  قرار دارد.  $t_2$  دارای ویژگی‌ها و اعراض خاص خود است که در جهان محسوس ما، دارای رنگ و وضع شناخته شده است.<sup>۴۱</sup> در لحظه بعد،  $t_2$  ناظر می‌بیند که  $t_2$  به مکان دیگری ( $x_2$ ) منتقل شده است. توضیح اتم‌گرایی کلام این است که در لحظه اول،  $t_1$  در مکان  $x_1$  خلق شده است. ولی در لحظه بعد، اتمی که ناظر در مکان  $x_2$  مشاهده کرده،  $t_2$  نبوده و بلکه اتمی دیگر، مثلاً  $t_3$  بوده است که دارای ویژگی‌های کیفی یکسان با  $t_1$  است. ولی ناظر از آنجا که نمی‌توانسته بین  $t_1$  و  $t_2$  تمایز قرار دهد، تصور می‌کند که همان اتم  $t_1$  از مکان  $x_1$  به  $x_2$  رفته است. در صورتیکه در لحظه  $t_3$  اتم  $t_3$  در همان مکان با همان ویژگی -

ها خلق شود، ناظر هیچ تغییری را دریافت نمی‌کند. واگر در  $t_1$ ، ز علاوه بر مکان متفاوت با ویژگی‌های کیفی دیگری خلق شود، ناظر علاوه بر تغییر مکانی، تغییر کیفی را نیز دریافت می‌کند.



رسم توضیحی ۱: تغییر اتمی در لحظات مختلف

بر این اساس، بسته به اینکه اتم خلق شده با همان اعراض لحظه قبلی باشد یا متفاوت، ناظر در جهان محسوس، ثبات یا تغییر حس می‌کند. بنابراین، یک ناظر وقتی مشاهده می‌کند که گلی با طراوت و زیبا خشک شد، به معنای این است که آنچه که وی به عنوان گل دریافت می‌کند، در دو لحظه متفاوت با اعراض متفاوت دریافت کرده و وقتی که گل را همچنان با نشاط و طراوت ببیند، یعنی اتم جدید با اعراض یکسان گذشته خلق شده است. با این اوصاف، ما آنچه ما در جهان محسوس، به عنوان تغییر دریافت می‌کنیم، تنها بازآفرینی اتم‌های متفاوت هستند. وقتی ما تغییر و یا یک پدیده را مشاهده می‌کنیم، بنا به یک رابطه علی، ناشی از خصوصیات ذاتی اشیاء نیست؛ بلکه تنها به اراده پروردگار بوده که ما تغییری را مشاهده کرده‌ایم. پدیده‌ها هیچ علتی جز خواست پروردگار ندارند. به عبارتی، آنچه ما مشاهده می‌کنیم صرفاً توالی رویدادهاست، نه تاثیرگذاری رویدادها بر یک دیگر، یا منتج شدن رویدادی از رویداد قبلی. به این ترتیب، پدیده‌ها علتی از خود و وابسته به جهان طبیعت ندارند. بر اساس باور ناظر معتقد به اتم‌گرایی کلام، پدیده‌ها علتی جز، حکمت و خواست خداوند، ندارند، و او نیز، متباین با جهان مادی است. پس ما قادر نیستیم علت پدیده‌ها را بفهمیم، چراکه ما خود مخلوق خداوند هستیم و قادر به درک اراده الهی نیستیم.<sup>۴۲</sup>

با این حال، اینگونه نیست که اتم‌گرایی کلام، ما را از درک و نظر دادن بر پدیده‌های طبیعی کاملاً خلع کرده و در شکاکیت مطلق رها کند.<sup>۴۳</sup> در واقع بنا به نص قرآن، خداوند اراده کرده که جهان بنا به سنت‌های ثابتی حرکت کند (عادات خدا).<sup>۴۴</sup> اینکه همیشه ما



مشاهده می‌کنیم که بعد از آب ندادن به گل، گل خشک می‌شود، سنتی است از سوی پروردگار که همواره ثابت است. به عبارتی، بنا به لطف پرورگار، جهان با سنت‌های ثابت، تداوم می‌یابد. به عبارتی، چینش و بازآفرینی اتم‌ها با نظم تکرار شونده در جهان رخ می‌دهد.<sup>۴۵</sup> پس ما بر اساس ثبات این سنت‌ها قادر هستیم که پدیده‌ها را توصیف و با استخراج نظم تکرار شونده آنها، پدیده‌ها را پیشگویی کنیم. در نتیجه، ما قادر هستیم پدیده‌ها را بشناسیم و در زندگی آنها را مدیریت کنیم.<sup>۴۶</sup>

بر این اساس، ما یک توصیف صرفاً سینماتیکی از حرکت داریم. اگر هم چیزی به عنوان دینامیک در بررسی حرکت در نظر گرفته شود، چیزی جز توالی مشابه در رویداد-های مشابه نیست. برای مثال، مانند فیزیک ارسطویی و مشائی نیست که اگر یک سنگ به سمت زمین سقوط می‌کند، به علت خصوصیات ذاتی آن سنگ است که به سمت زمین حرکت می‌کند، بلکه به دلیل سنت الهی است که هرگاه سنگ در فاصله‌ای نسبت به سطح زمین باشد و مانعی نداشته باشد، سنگ در لحظه بعد در مکانی به سمت زمین قرار خواهد داشت.

مک‌گینس (2013)، این برداشت توصیف‌گرایانه از حرکت، و در نظر گرفتن اراده مستقیم خداوند، به مقارنه‌گرایی Occasionalism تعبیر کرده است.<sup>۴۷</sup> این نگاه در بین دانان متأله قرن هفدهم، همچون لایپنیتس متداول بوده است. با این وجود، نگاه کنجکاو یک مورخ فلسفه و علم علاقه‌مند به اتم‌گرایی را متوجه این سوال می‌گرداند که چگونه است که اتم‌گرایی به شکلی دوسویه، هم نظریه‌ای مادی‌گرایانه و در خدمت ملحدان بوده، و هم در خدمت مقارنه‌گرایان که به شکلی رادیکال، حضور مستقیم اراده الهی را در همه پدیده‌های طبیعی توضیح دهد. بدین منظور لازم است که مفاهیمی که درباره اتم‌گرایی کلام توضیح داده شد، با صورت‌بندی جدیدی که در مقدمه عنوان شد، بازنویسی شود.

### ۳. بازنویسی چارچوب‌ها و تحلیل نظریه با معیارهای جدید

در این بخش قصد دارم که با رویکرد تحلیلی، به صورت‌بندی جدیدی برای بررسی مسئله دست یابم، تا بوسیله آن، ساختار نظریه اتم‌گرایی کلام و فیزیک آن را و فصل مشترک این نظریه را با نظریات اتم‌گرایانه دیگر پیدا نمایم.<sup>۴۸</sup> تصمیم به بازنویسی و مشخص کردن چارچوب‌های جدید برای این مقاله، به این علت بود که با معیار مکاتب و ایسم‌های

شناخته شده، وجه مشترک اتم‌گرایی کلام و دیگر نظریات اتم‌گرایانه بدست نمی‌آید. بدین منظور، در ابتدا مفهوم بسته بودن یک نظریه تعریف می‌شود.

### ۱.۳ بسته بودن فیزیک کلام نسبت به متافیزیک

بسته بودن یک نظریه، به مفهوم این است که یک نظریه برای حل مسئله یا مسائل خود، خودکفا باشد. بسته بودن می‌تواند برای یک تک-نظریه یا نظامی از نظریات و یا شاخه‌ای از علم در نظر گرفته شود.<sup>۴۹</sup> بسته بودن مفهومی نسبی است. برای مثال، بدیهی است که هیچ علمی را نمی‌توان به معنای مطلق خودکفا دانست. علوم مختلف همواره از لحاظ نظری به علوم بنیادی‌تر وابسته‌اند و در حل مسائل خود ناچار به استفاده از ابزارهایی چون ریاضیات و آمار یا منطق هستند. ولی وقتی در یک شاخه علمی نیازی به شاخه علم دیگری نباشد، نسبت به شاخه علم دوم بسته است. برای مثال، می‌توان با تقریب و اغماض گفت که فیزیک نسبت به دیگر شاخه‌های علوم تجربی بسته است، ولی عکس این رابطه درست نیست. همچنین شاید بتوان گفت که ریاضی نسبت به فیزیک بسته است.

برای اینکه مطلب روشن‌تر شود، گریزی داشته باشیم به فیزیک غالب دوره قرون وسطی یعنی فیزیک ارسطویی. در فیزیک ارسطویی حرکت به فعلیت رسیدن آن چیزی است که در ماده بالقوه است.<sup>۵۰</sup> برای مثال یک دانه گندم، بالفعل یک دانه گندم است، ولی «خوشه یک گندم بودن» در آن مستتر و دست‌یافتنی و بالقوه است. دانه گندم برای رسیدن به آن غایت، حرکت می‌کند. در فیزیک ارسطویی حرکت علت دارد و علت غایی یکی از عوامل حرکت است. از عوامل غایی رسیدن به جایگاه طبیعی حرکت است. برای مثال سنگ برای رسیدن به جایگاه طبیعی خود به سمت مرکز زمین حرکت می‌کند و آتش برای نیل به آن، بالا می‌رود. یک طبیعی‌دان در فیزیک ارسطویی، برای تحلیل حرکت، نیازمند این است که علت غایی یا صوری هر متحرک را بشناسد. برای شناختن علت غایی و صوری باید ویژگی‌های ذاتی و عرضی آنها را بشناسد. سخن از چیستی موجودات، سوال فیزیک نیست؛ بلکه سوال متافیزیک است. پس یک طبیعی‌دان، در نظام ارسطویی برای شناخت و تحلیل حرکات و تغییر نیازمند به متافیزیک است. به عبارتی فیزیک ارسطویی نسبت متافیزیک بسته نیست.

حال برای مثال، در این بستر، مدل اتم‌گرایی دموکریتی در قیاس با فیزیک ارسطویی در نظر گرفته می‌شود. در مدل دموکریتی، تغییرات با فعل و انفعالی که اتم‌ها با یکدیگر دارند،

توضیح داده می‌شوند. اتم‌ها متفاوت در اندازه و شکل هستند، تفاوت محسوس در اشیاء مختلف ناشی از همین تفاوت است. اتم‌ها در خلا شناور بوده و گاه به هم برخورد می‌کنند و از برخورد و بهم پیوستن آنها، تغییر در جهان محسوسات رقم می‌خورد. بین این تغییرات و حرکات اتم‌ها روابط علی مادی محض برقرار است. ولیکن علت تغییرات، تنها کنش و واکنش بین خود اتم‌هاست. پس فیزیک دموکریتی، با چیستی و ماهیت اشیاء سر و کاری ندارد؛ بلکه فقط با روابط بین اتم‌هاست که تغییر را توضیح می‌دهد.<sup>۵۱</sup> از این رو فیزیک دموکریتی نسبت به متافیزیک ارسطویی بسته است.

با این مقدمات، به بحث اصلی، یعنی اتم‌گرایی کلام می‌پردازیم. چنانکه گفته شد، در اتم‌گرایی کلام، تغییرات در جهان، ناشی از بازآفرینی اتم‌ها با عوارض متفاوت است. اینکه چه تغییری، چگونه و چرا رخ می‌دهد، وابستگی به ذات و ماهیت اشیاء ندارد. اتم‌ها در لحظه خلق، عاری از هر نوع ویژگی و ذات می‌باشند. در بررسی علل رویدادهای طبیعی، تنها مطالعه توصیفی پدیده‌ها به عنوان سنت‌های الهی ممکن است و فیزیک و مطالعه حرکت، صرفاً توصیفی است. تنها یک علت برای همه پدیده‌ها رخ می‌دهد و آن نیز بر اساس اصل تباین، وجود خداوند، متباین با جهان ماده و فعل و انفعالاتش است. پس در جهان محسوس، به لحاظ معرفت‌شناختی، علم فیزیک منحصر به توصیف حرکت در خود جهان ماده است و مانند فیزیک ارسطویی با ماهیات و ذوات آن سر و کاری ندارد. بنابراین فیزیک کلام در حیطه خود علم بسته‌ای است و وابستگی به متافیزیک با تعریف ارسطویی ندارد. بدین شکل، بر خلاف فیزیک ارسطویی که کاملاً به متافیزیک وابسته است، در فیزیک کلام، متافیزیک، علی‌الخصوص، نگرش ذات‌گرایانه در متافیزیک، طرد می‌شود.

### ۲.۳ بسته بودن فیزیک مادی‌گرایانه و فیزیک کلام به عنوان یک فیزیک مادی-

#### گرا

مادی‌گرایی یا ماتریالیسم، در تعریف جدید، اصالت دادن به وجود مادی است و اینکه قائل باشیم که همه چیز در جهان از ماده ساخته شده است. در مقابل، آن ایده‌گرایی است که به ایده‌ها و معانی اصالت می‌دهد و بر مقدم بودن تشکیل معانی و مفاهیم در ذهن تاکید دارد. در جهان فیزیکی که باورمندان به ماده‌گرایی ترسیم می‌کنند، همه موجودات من جمله انسان‌ها صرفاً وجود مادی و زیستی دارند. ماده قدیم و ازلی است؛ نه بوجود می‌آید و نه از بین می‌رود.<sup>۵۲</sup>

حال می‌خواهیم با توجه به صورت‌بندی که برای بسته بودن یک نظریه داشتیم، مادی-گرایی را بازتعریف کنیم. بر اساس مادی‌گرایی، جهان محسوس ما از ماده است. قوانین متافیزیکی مقدم بر وجود مادی نیست. بر این اساس، فیزیکی که بر پایه مادی‌گرایی بنا شده باشد، نسبت به جهان مادی بسته است. خارج از جهان مادی عاملی بر تغییراتی که در جهان محسوس رخ می‌دهد، وجود ندارد. از این تعبیر، خود به خود می‌توان الحاد را از مادی-گرایی مطلق نتیجه گرفت<sup>۵۳</sup>. در یک مجموعه بسته که از بیرون هیچ عامل خارجی بر آن تاثیر نداشته باشد، به مفهوم ردّ وجودی برتر، آفریننده و تاثیرگذار بر جهان مادی است.

با این حال، مسئله اینجاست که مفهوم بسته بودن یک جهان، مطلق نیست و در تنگنای معرفت‌شناختی قرار دارد. از دیدگاه ماده‌گرایی، قوانین عقلی و استدلال‌های ذهنی ما بر ماده تقدم ندارد. پس ما انسان‌ها به عنوان عضوی از جهان مادی، نمی‌دانیم و نمی‌توانیم از بیرون از جهان مادی خبر داشته باشیم. پس ردّ اینکه عامل خارجی بر جهان مادی و محسوس ما اثر دارد یا نه، در تنگنای معرفت‌شناختی قرار دارد و مفهوم مطلق نیست. در واقع کسی نمی‌داند که نیروی خارجی بر جهان محسوس او اثر ندارد.<sup>۵۴</sup> اگر وی معتقد باشد که دانستن یعنی داشتن باور صادق موجه، که توجیه باور به وسیله تجربه مادی قابل اثبات است، او نمی‌تواند به جهان خارج آگاهی پیدا کند. در واقع صرفاً باور ذهنی اوست که نیروی خارجی بر جهان مادی اثری ندارد. پس در حقیقت یک مادی‌گرا، با نظام استدلالی خود تنها به شکاکیت می‌رسد نه یک الحاد مستدل. به عبارتی، اگرچه فیزیکی که برای جهان محسوس خود دارد مستقل از مفهوم خداست، ولی نمی‌تواند مدعی شود که این فیزیک، اثباتی بر نبود جهان غیرمادی، یا نبود نیروی تاثیرگذار محیط بر جهان مادی است. این استدلال کلیت فیزیک مادی‌گرایانه را نشانه رفته، برای مدل‌های خاص مانند اتم‌گرایی دموکریتی یا دالتونی هم معتبر است.

حال به موضوع خود یعنی اتم‌گرایی کلام برمی‌گردیم. در نظریه فیزیکی کلام، یک ناظر، اجسام و پدیده‌هایی را مشاهده می‌کند. معتقد است که اجسام هیچ ویژگی پیشینی و ذاتیات ماهوی ندارند. فیزیکی که بر اساس آن پدیده‌ها را توضیح می‌دهد نسبت به متافیزیک بسته است و صرفاً بر اساس آنچه که در جهان مادی تجربه و مشاهده کرده، قوانینی را برای توصیف پدیده‌ها استخراج کرده است. فیزیکی که وی برای فهم طبیعت دارد نسبت به متافیزیک بسته است. او باور دارد که علت هر پدیده اراده خداوند است. او باور دارد که وجود خداوند متباین با خود و جهان خلقت است.

یک متکلم اتم‌گرا، به مانند یک مادی‌گرا، وجود قوانین متافیزیک و ذاتیات اشیاء را به شکل پیشینی رد می‌کند و فیزیکی دارد که وابسته به متافیزیک ذات‌گرایانه نیست، ولی بر خلاف یک مادی‌گرا (که باور دارد علتی خارج از جهان مادی نیست)، وی باور دارد که تنها علت پدیده‌های طبیعی اراده خداوند است. درست بمانند یک مادی‌گرا، یک متکلم اتم‌گرا هم در تنگنای معرفت‌شناختی نسبت به جهان خارج است و او نیز قوانین پیشینی نسبت به وجود مادی ندارد. پس او هم اگر دانستن را، باور صادق موجه فرض کند، نسبت به جهان خارج به شکاکیت می‌رسد نه الحاد. پس این ادعا که فیزیک کلام به دلیل مشترکاتی با مادی‌گرایی دارد، یک فیزیک الحادی است، درست نیست.

### ۳.۳ تصادفی بودن رویدادها در فیزیک کلام

نکته خاصی که بر خلاف دیگر مکاتب اتم‌گرایانه، متوجه اتم‌گرایی کلام می‌شود طرد علیت مادی در نتیجه مقارنه‌گرایی است. وقتی ما به علم و حکمت خداوند درک و آگاهی نداریم و نیز باور داریم که ممکن است بنا به اراده الهی، توالی حوادث و رویدادها بهم بخورد، پس شاید رخدادی به گونه‌ای که قبلاً تکرار می‌شد، دیگر تکرار نشود. آنچه که ناظر محصور در جهان مادی درک می‌کند، تصادفی بودن رویدادهاست.<sup>۵۵</sup> رویداد تصادفی به معنای رویدادی است که قابل پیش‌بینی نباشد. به بیانی دقیقتر، وقتی ما به علیت محض معتقد باشیم، یعنی باور داریم که وقتی علت تمام شود، باید معلول رخ دهد. پس قادریم، امکان و احتمال رخ دادن معلول را با توجه به علت پیش‌بینی نماییم. وقتی که علیت را انکار کنیم، قدرت پیش‌بینی و تخمین احتمال چیزی به نام معلول را از دست داده‌ایم. پس رویدادها برای ما قابل پیش‌بینی در یک استلزام منطقی نیستند، در در نتیجه آنها تصادفی‌اند. با این حال، اگرچه در فیزیک کلام، ناظر در شرایطی است که در جهان خود، برای یک رویداد علتی قائل نیست، ولی باور دارد که قدرت مطلقه‌ای بیرون از جهان مادی، عامل مستقیم آن رویداد است. سوال اینجاست که آیا تصادفی بودن رویداد در جهان مادی، اثبات الحاد است؟ آیا ناظری که با فیزیک اتم‌گرایی کلام جهان مادی را درک می‌کند دچار تناقض است؛ صرفاً جداگانه در ذهن خود به خداوند باور دارد و در عین حال یک فیزیک الحادی را پذیرفته است؟ علت این اتهام آنجاست که یک اتم‌گرا معتقد به تباین است و در جهان مادی و محسوس راهی برای شناخت عالم غیر محسوس ندارد.

حال برای مقایسه ساده‌تر این دو تبیین را با زبان منطق بازنویسی می‌کنیم.

- ناظر ن در جهان ج زندگی می کند. (ن متعلق به ج هست)

- ن رویداد ر را در جهان مشاهده می کند.

- ر علتی در ج ندارد (ر متعلق به ج نیست)

با این حال:

- الف: خدا بیرون از جهان محسوس ما علت هر رویداد است.

- ن الف را باور دارد: ناظر خدا باور است.

- پ: اگر ن باور دارد الف <<< الف برای ن موجه است <<< ن الف را می داند.

اگر پ بدست آید، نتیجه این استنتاج این می شود که ناظر در چارچوب اتم گرایی کلام، می داند که علت رویداد خداست و فیزیک و نظام فکری او الحادی نیست. ولیکن اگر موجه بودن الف، مورد سوال واقع شود (نقیض پ). در نهایت به این نتیجه می رسیم که ناظر نمی داند که علت رویداد خداست. یعنی فیزیکی که وی خود را مقید به فهم طبیعت کرده، او را به شکاکیت در مورد اینکه آیا خداوند علت مستقیم است می رساند، نه به الحاد. به زبان منطقی، این استنتاج به این شکل در می آید که وقتی که ناظر در جهان محسوس نداند که الف درست است، اثبات نمی شود که الف درست نیست. اگر برای باور توجیه نداشته باشد، صرفاً به شکاکیت می رسد. یعنی نمی داند که خداوند علت مستقیم پدیده- هاست و برای او اثبات نمی گردد که خدا علت مستقیم پدیده ها نیست.

- توجیه برای الف ندارد <<< نمی داند الف، اما، نقیض الف قابل استنتاج نیست.



به عبارتی، حتی اینکه ناظر به دلیل تنگنای معرفت شناختی، حوادث و رویدادها را تصادفی درک می کند، دچار الحاد نمی شود.

#### ۴. نتیجه‌گیری

در این مقاله، مبانی متافیزیکی و چهارچوب کلی فیزیک اتم‌گرایی کلام تشریحی گردید. نشان داده شد که فیزیک اتم‌گرایی کلام، فیزیکی است توصیفی و غیرعلی. فیزیک کلام به دلیل اینکه نظام متافیزیکی ذات‌گرایانه مشائی را رد می‌کند، نیازمند به متافیزیک ذات‌گرایانه نیست. با تعریف مفهوم بسته بودن یک نظریه، به عنوان نظریه‌ای که در حل مسئله خود، خود کفا باشد، به این نتیجه رسیدیم که فیزیک کلام، همچون دیگر فیزیک‌های اتم‌گرایانه نسبت به متافیزیک ذات‌گرایانه ارسطویی بسته است و از آنجا که نسبت به جهان مادی بسته است، یک نظریه فیزیکی مادی‌گرایانه به شمار می‌رود. ولیکن، فیزیک مادی‌گرایانه، به معنای فیزیک ملحدانه نیست. فیزیک کلام، بر خلاف دیگر نظریات اتم‌گرایانه غیرعلی و تصادف‌گراست. تصادف‌گرایانه بودن آن نیز مستلزم الحاد نیست.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. در هند و ایران باستان نیز نظریات اتم‌گرایانه در فهم طبیعت وجود داشته است ولیکن در مورد سوالات مرتبط با این مقاله، اطلاعات ما از آنها اندک است.
۲. اتم لزوماً به کوچکترین واحد مادی اطلاق نمی‌گردد. بلکه هر کمینه تجزیه‌ناپذیری را می‌توان اتم در نظر گرفت. ولی در این مقاله، مورد بحث ما، با جهان مادی و محسوسات است.
۳. این دیدگاه اگر بعداً توسط اشراقیون و ملاصدرا نیز ارائه شد، ولیکن اینجا مقصود جهان‌بینی متکلمان معتزلی و اشعری است که با هر نوع تقدم پیش از وجود مخالف بودند.
۴. اتم‌گرایی که توسط متکلمان ارائه شد، اتم‌گرایی کلام خوانده می‌شود.
۵. ابن رشد در *تهافت/التهافت*، بیان کرده که آیاتی در قرآن هستند که بر قابل پیشگویی بودن رخدادهای طبیعی دلالت دارند و بیانگر این است که علم به قوانین طبیعت امکانپذیر است و این مسئله خلاف نظریات متکلمین درباره علیت است. (ابن رشد، ۱۹۹۳، ص ۲۹۷).
۶. این مقاله، در پاسخ به سوالی است که در جلسه دفاع اینجانب طرح شد که چگونه است که یک نظریه اتم‌گرایانه که همواره نظریاتی مادی‌گرا و بعضاً ملحدانه بوده‌اند، توسط خداپاوران رادیکال دفاع شود. البته در خلال مطالعاتم دریافتم که این نظریه اتم‌گرایی کلام، بسیار به نظریات متألهانی چون لایپ نیتس یا نیکولاس کوزایی شبیه است و گیرد اساساً درست نیست که اتم‌گرایی با الحاد هم‌ارز قرار گیرد که در این مقاله به تفصیل بحث خواهد شد.

۷. تغییری که در اینجا بحث می‌شود، تغییر تدریجی است. ارسطو تغییر را یا دفعی می‌داند که جایگاه آن را در مقوله کون و فساد قرار می‌دهد و یا تدریجی که تغییرات در کیف و کم را دربر می‌گیرد.

۸. در جهان‌شناسی ارسطو، جهان از حیث تغییر به جهان زیر فلک قمر یا بالای آن تقسیم می‌شوند. در جهان زیر یا تحت القمر است که تغییر و دگرگونی رخ می‌دهد.

۹. در تعریف فارابی، اجسام طبیعی و اعراضی که به آن قائم هستند موضوع علم فیزیک می‌باشند و جسم طبیعی جوهری است که حرکت در آن رخ می‌دهد و به عبارتی حرکت به تغییر در اعراضی که بر این جوهر قائم هستند روی می‌دهد.

۱۰. اینکه در این دوره، متلکمان معتزلی و سپس اشعری آیا اساسا علوم را تعریف یا طبقه بندی کرده اند یا نه، برای نگارنده مبهم و مجهول است. روشمند نیست که وقتی درباره نظریات متکلمان صحبت می‌کنیم، از تعاریف فلاسفه قرض بگیریم که در بیشتر موارد نظریاتی متقابل و متضاد داشته‌اند. با این حال، می‌توان دید که متکلمان در آثار خود به طبیعت، جهان محسوسات و تبیین تغییر پرداخته‌اند و درباره آنچه ما در این مقاله فیزیک خوانده‌ایم نظریه دارند.

۱۱. به بیانی ساده، موجودات، چه مادی و چه غیرمادی، وقتی سوال از بودن آنها و چه چیز بودن آنهاست، بحث متافیزیکی است. ولیکن، وقتی به موجودات از این حیث که حرکت می‌کنند یا تغییر در آنها مشاهده می‌شوند، بحث مرتبط با فیزیک است. در این مقاله نیز، هر جا نام متافیزیک می‌آید، با همین اسلوب منظور، بحث از بودن و چیستی موجودات است

۱۲. مورخان فلسفه متخصص در کلام، در ذات‌گرایانه نبودن کلام توافق دارند. ولیکن در اینکه در مقابل ذات‌گرایی، چه قرار دهند، نظریات مختلفی را مطرح کرده‌اند. بعضا پدیدارگرایی (Phenomenalism)، نام‌گرایی (Nominalism) نامیده اند (Ibrahim 2020).

۱۳. به عبارتی در متافیزیک ارسطویی-سینوی، موجودات واجب الوجود بالذات هستند، ولی در کلام موجودات واجب الوجود هستند (El-Bizri 2001).

۱۴. از آنجاکه در جهان اسلام، واژه فلسفه، به طور خاص، به حکمت مشاء و یا فلسفه یونانی و بالاخص ارسطویی بر می‌گردد، و اینکه متکلمان، علی‌الاصول با مبانی فکری مشائیان مخالف بودند، این تصور در ذهن عموم شکل گرفته که کلام را نمی‌توان یک نحله فلسفی در نظر گرفت. حال آنکه اگر فلسفه را به صرفا به مکاتب یونانی و ارسطویی تقلیل ندهیم، کلام خود دارای مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی مستقل در نظام عقلانی است و خود یک نظریه مستقل فلسفی به شمار می‌رود.

۱۵. کلام در مقاله مک‌گینس اینگونه تعریف شده است:

Islamic speculative theology (McGinnis 2013).



نسبت بین فیزیک اتم‌گرایی کلام به مادی‌گرایی و الحاد در رویکردی ... ۱۷

و گریفل، کلام شناس معاصر ذکر می‌کند که کلام بر اثبات چند نظریه الهیاتی شاخص به روش عقلانی تاکید دارد:

Kalam focuses on establishing and defending certain theological positions through the use of rational arguments (Griffel 2018).

و در این بخش سعی شده که همین شاخص‌ها به شکل خلاصه ارائه شود.

۱۶. هدف از این مبحث، ارائه چارچوب کلی هستی‌شناسانه‌ای که همه نظریات متکلمان در آن جای بگیرد، نیست. بلکه زیر بنای متافیزیکی اتم‌گرایی کلام مد نظر است.

۱۷. می‌توان تحلیل نمود که همگی این موارد ارتباط تنگاتنگی با برداشتی که متکلمان از مفهوم توحید داشته‌اند، می‌باشد. برای مطالعه بیشتر رک (حسینی-شاهرودی و مشهدی ۱۳۹۱).

۱۸. آیاتی چون اعراف (۷)، سجده (۴)، هود (۷) و غیره، بر پیدایش جهان در هفت روز و آفرینش یا حدوث دلالت دارند.

۱۹. این مسئله در مقاله (براتی، ۱۳۸۶) به خوبی تشریح شده است.

۲۰. آیاتی چون الرحمان (۲۶) و همچنین سوره‌هایی چون تکویر و قاریه نیز بر نابودی و عدم جهان مادی دلالت دارند.

۲۱. ماده طبق اصل پارمیندسی بقای ماده، نه بوجود می‌آید و نه از بین می‌رود. این اصل در اغلب نظریات فیزیکی یونان باستان بعد از پارمیندس، پذیرفته شده است. حکمای اسلامی هم اگرچه به خلقت جهان و قیامت بر اساس نص قرآن باور داشتند ولی نظریات فلسفی خود را به گونه‌ای این اصل انطباق می‌دادند.

۲۲. برای مثال آیاتی چون فاتحه (۱)، بقره (۴۷، ۱۲۲، ۱۳۱، ۲۵۱) لفظ عالمین یا عوالم آمده است.

۲۳. در قرآن آیاتی هستند که تکرر در آفرینش را از نشانه‌های خدا می‌داند (روم ۲۲). متکلمان نیز بر همین اساس تلاش حکما، برای وحدت بخشی به جهان متکثر را کاری عبث می‌دانستند (Eftekhari 2017, 23-27).

۲۴. نظریه وحدت وجود متضمن وحدت خداوند با جهان هستی بود که بر خلاف دیدگاه متکلمان مبنی بر تباین پرودگار از جهان مخلوق بود.

۲۵. مسئله رد علیت، وجود متعددی دارد، در آن بخش به اختیار انسان مرتبط می‌شود بین کلام معتزلی و اشعری اختلاف هست. ولی در بخشی که به جهان مادی و اشیاء و پدیده‌های طبیعی، هر دو بر اینکه پدیده‌های طبیعی باید مستقیم به اراده خداوند مرتبط باشد تقریباً اتفاق نظر دارند (Pines(1997),P:2) یا (Wolfson(1976) P:518-600) یا (McGinnis (2013)). این مسئله در ادامه مقاله با رجوع به آثار خود متکلمان بیشتر بحث خواهد شد.

۲۶. اینجانب این مسئله را از مقاله (معصومی ۱۳۶۵) فهمیدم، ولی مقالات بسیاری مختص این مطلب نوشته شده که از جمله آنها، (حسینی شاهرودی-مشهدی، ۱۳۹۱) است.
۲۷. این حکم در طی سلسله براهینی است که در مسئله تشکیک در وجود، افعال خدا و بنده و علم خدا و بنده مطرح می شود که پرداختن به جزئیات آن خارج از محور اصلی این مقاله است.
۲۸. فخر رازی می گوید: «هو أنا فی هذه الحیاة الدنيا. هل نعرف تلك الحقيقة المخصوصة؟ فنقول: ان هذه لمعرفة غیر حاصله.» و سپس در طول یک فصل به دلایل آن می پردازد. (الرازی، المطالب العالیه، ۱۹۸۷، ج ۲، فصل ۱۱، ص ۸۸-۹۸).
۲۹. بر همین اساس، متکلمان، با نظریات حکما، که خداوند علت اولی یا مرکز فیض دانسته مخالف کرده و آن را مخالف اصل تباین پروردگار از جهان خلقت می دانستند.
۳۰. این بخش، در مقالات مختلفی به شکل های مختلفی بیان شده است. قابل ارجاع به متون اصلی متکلمان مختلف است که برای پرهیز از دوباره کاری و مطول شدن کلام از آنها صرف نظر شده است. برای رجوع به متون اصلی متکلمان، به صبره (۲۰۰۹) و افتخاری (۱۳۸۶)، ارجاع می دهیم.
۳۱. محمد بن هذیل بن عبدالله (یا عبیدالله) معروف به ابو هذیل علاف (۱۳۵-۲۳۵ ه ق).
۳۲. اگر صرفاً اجسام مادی متشکل از اتم ها باشند، و طول و ابعاد، تا بی نهایت تقسیم پذیر، اتم گرایی، صرفاً فیزیکی و مادی است. ولی اگر باور بر این باشد که نه تنها اجسام، بلکه، ابعاد به لحاظ مفهومی دارانه کمینه تقلیل ناپذیرند، اتم، یک اتم ریاضی و مفهومی می باشد. اتم گرایی کلام، یک اتم مفهومی و ریاضی است. (Eftekhari 2017)
۳۳. در این مقاله، هر جا از متکلم صحبت شده است، منظور متکلمان اتم گرا هستند، چه معتزلی و چه اشعری.
۳۴. درباره حرکت اتمی کلام مفصل در این مقاله (افتخاری ۱۳۹۸) بحث شده است.
۳۵. اشعری در توصیف اتم ها به نقل از ابو هذیل، ذکر می کند، اتم ها، نه طول دارند، نه عرض و نه عمق، نه اجتماعی دارند و نه افتراق تا اینکه خدای سبحان به آنها اجازه تشکل یا جدایی می دهد. (اشعری ۱۹۸۰، ص ۳۱۴).
۳۶. در بین اتم گراهای اولیه، تعابیر متفاوتی از اتم وجود دارد، متعاقب این تعابیر متفاوت، مورخان مدرن نیز ریشه های متفاوتی برای نظریات آنها در نظر گرفته اند. برای مثال، راشد (۲۰۰۵)، عمدتاً، انگیزه های ریاضی را دخیل می داند، پینس (۱۹۴۷- نسخه ترجمه به انگلیسی) اتم گرایی کلام را وام گرفته از اتم گرایی هندی تلقی کرده و ذنانی (۲۰۰۵)، بر ریشه اپیکوری اتم گرایی کلام تأکید داشته است. با این حال، می توان گفت که همگی آنها در این امر، یعنی حادث شدن لحظه ای اتم ها از هیچ، اجماع داشته اند.

۳۷. این قاعده از موارد اختلاف بین متکلمان و حکما بوده است. برای توضیح بیشتر به ابراهیمی دینانی (۱۳۸۹ ص ۸۲۳-۸۲۹) رجوع شود. البته دینانی از دیدگاه حکما و مشائون و از نگاه جایز بودن آن مطرح کرده است. فخر رازی در *المباحث المشرقیه* که کتاب فلسفی وی است، آن ممتنع دانسته و برهان متکلمان را نقل کرده است (الرازی ۱۹۹۰، *المباحث المشرقیه*، ج ۱، ۱۵۴-۱۵۵). اینکه چرا متکلمان آن را رد می‌کردند، با توجه به جهان‌شناسی آنها قابل فهم است که درباره آن بیشتر بحث خواهد شد.

۳۸. برای مثال در نظام ارسطویی، یک موم که به شکل مثلث باشد، مثلث بودن و سه ضلعی بودن، عرضی است که به ابعاد شکل قائم شده و داشتن ابعاد خاص، خود عرضی است که به جوهر جسم مومی وارد شده است. یعنی عرض مثلث بودن بر عرض شکل و ابعاد قائم شده است. ولیکن چنین تبیینی در کلام مجاز نیست. موم مجموعه‌ای از اتم‌ها یا جوهر هستند که هر یک اتم‌ها، دارای عرض خاصی در وضع هستند که در نهایت به شکل موم مثلثی درآمده. یعنی هر عرض به یک جوهر حلول کرده، نه به عرضی دیگر.

۳۹. اینکه اتم‌ها تنها در یک لحظه، موجود هستند و در لحظه دیگر به عدم می‌پیوندند، وابسته به نظریه‌ای که متکلمان برای زمان دارند، نیز می‌باشد. متکلمان، زمان را فقط در لحظه آن موجود میدانستند. از نظر آنها آنچه گذشته است دیگر نیست و وجود ندارد و آینده نیز موجود نیست و عدم است. پس هر چیزی فقط وقتی که در «آن» و لحظه است، می‌تواند موجود باشد. (الرازی ۱۹۸۷، *المطالب العالیه*، ج ۵، ص ۸۳-۸۸).

۴۰. این توصیف از اتم‌گرایی، در واقع همان طرد ذات‌گرایی است که در ابتدای مقاله اشاره شد.

۴۱. بدیهی است که در رهیافت معرفت‌شناختی یک تک اتم دریافت نمی‌شود. ولیکن در اینجا، مقصود بسیط‌ترین و ساده‌ترین تغییری است که یک ناظر بتواند رصد کند.

۴۲. شاید خلاصه کردن و ساده سازی نظر متکلمان در یک پاراگراف عمل به احتیاط نباشد. در مقاله (Shomar 2011) نشان داده شده که صحیح نیست علیت را تنها بر اساس رای غزالی و اشعری تعمیم دهیم. برای مثال، شومار نظریات و آراء باقلانی آورده شده است که علیت رابه شکل‌های گوناگون در مسائل طبیعی پذیرفته است و یا فخر رازی که نقش موثری در ترکیب حکمت مشاء و کلام اشعری دارد، علیت را در سطوحی پذیرفته است.

۴۳. غزالی چنین شکاکیتی را پذیرفته است. (الغزالی، ۱۳۸۲، ص ۳۱) به تفسیر (Richardson, 2015). البته از شومار، نظر غزالی را نباید در شمار طبیعی‌دانه‌های کلام به حساب آورد.

۴۴. نص قرآن در آیه فاطر (۴۳)، تاکید بر ثبوت سنت‌های الهی دارد. اینجانب هنوز نتوانسته‌ام گواه متنی مشخصی در میان آراء متکلمان بیابم که آیا تفسیری که برای ثبات و مشاهده پدیده‌ها دارند و آنچه عادات خدا خوانده‌اند، مستقیماً مرتبط با این آیه است یا نه. فخر رازی در تفسیر کبیر، در

ذیل این آیه، به حکمت خداوند بر تکرار، اشاره داشته است؛ ولیکن، چون آنجا بیشتر درباره سرنوشت و عقوبت صحبت شده است نمی توان به طور مشخص این نتیجه را گرفت. (الرازی (۲۰۰۱)، *التفسیر الکبیر*، ج ۲۶، ص ۲۴۷). به هر حال، می توان در آثار مختلفی از متکلمان اشعری، چون ابن فورک، تفتازانی، جوینی، ایجی و خادمی، لفظ عادات خدا را یافت: (پورنعمی طاهری (۱۳۹۲)).

۴۵. اینکه سنت ها همیشه ثابتند، تنها به خواست پروردگار است، بر همین اساس نیز، خداوند اگر اراده کند می تواند این سنت ها را تغییر دهد (خرق عادت)، که آن پدیده را ما متحیرانه و یا معجزه می خوانیم.

۴۶. همانگونه که درپانوشت های قبلی، اشاره شد، متکلمان همگی بمانند هم نمی اندیشیدند. غزالی که نسبت به شناخت پدیده های طبیعی شکاک بود چندان اثر واضحی هم در طبیعات ندارد. ولیکن در آراء باقلانی، سرخصی و سایر که شومار به اقوال آنها اشاره دارد، تاکید بر مشاهده، تجربه و استقرا دریافت می شود.

۴۷. این مسئله چنان به اجماع مورخان فلسفه درآمده که مدخل مقارنه گرایي در دایره المعارف استنفورد، یک بخش مستقل به عنوان مقارنه گرایي در کلام اسلام را به خود اختصاص داده است. (lee 2019)

۴۸. روشی که برای تحلیل در این قسمت اخذ شده است، روشی جدید در تحلیل نظریات علمی است که مشابه مشخصی نداشته و تمامی مطالب از خود اینجانب است. از خوانندگان گرامی برای نقد این روش دعوت می کنم که به پخته شدن و باردهی روش کمک نمایند.

۴۹. این مفهوم از مفهوم بسته بودن مجموعه نسبت به عمل خاصی در نظریه مجموعه ها گرفته شده است. بسته بودن مجموعه به معنای این است که وقتی عملی مثل ضرب یا جمع برای اعضای یک مجموعه در نظر گرفته شود، آن مجموعه بسته است وقتی آن عمل برای اعضای آن مجموعه اعمال شود، حاصل هنوز در خود مجموعه قرار داشته باشد.

۵۰. در کتاب فیزیک ارسطو حرکت چنین تعریف شده است:

Change is the actuality of that which is potential when that which is potential is actuality active not as itself but as something which is capable of change. (Aristotle(2008), Physics, Book III, P:58, 201a27)

۵۱. نیک سرشت (۱۳۸۵)، بر اساس نظریه اتمی دموکریتوس، ماهیات مرتبط با انواع اتمهاست و وی مخالف فرو کاستن عناصر، به چهار عنصر مادی بود. به عبارتی ماهیات بسیار متکثر هستند و چارچوب نظام ذات گرایانه ارسطویی نمی گنجند.

نسبت بین فیزیک اتم‌گرایی کلام به مادی‌گرایی و الحاد در رویکردی ... ۲۱

۵۲. مفاهیم ماده‌گرایی و ایده‌گرایی از مقاله گویر درباره ایده‌گرایی در مدخل استنفورد گرفته شده است که در آن مادی‌گرایی به عنوان مکتب معرفت‌شناختی، از تجربه‌گرایی یا واقع‌گرایی تفکیک شده است و از این رو در کنار تجربه‌گرایی و واقع‌گرایی در برابر ایده‌گرایی قرار می‌گیرد. (Guyer 2015)

۵۳. می‌توان، از نبود نیروی اثرگذار خارجی، قانون بقای ماده-انرژی را هم نتیجه گرفت، ولی این مسئله خارج از بحث مقاله است.

۵۴. این ندانستن برای اساس تعریفی است که یک مادی‌گرا از دانستن ارائه کرده است.

۵۵. در ادبیات اخیر تعاملات علم و دین، تصادفی بودن رویدادها تاییدی بر نظریات الحادی فرض شده است.

## کتاب‌نامه

ابن رشد، محمد بن احمد، تهافت التهافت، تصحیح عربی، محمد یاسین، دار الفکر اللبنانی، ۱۹۹۳، بیروت.

الاشعری، ابو الحسن، مقالات الإسلامیین واختلاف المصلین، تصحیح ریتر هلموت، دار النشر فرانتر شتاینر، ۱۹۸۰، بیروت.

الجوینی، امام الحرمین، عبد الملک بن عبد الله، الارشاد الی قواطع الادله فی اصول الاعتقاد، محقق: عمیرات، زکریا، ناشر: دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۵-۱۴۱۶ ق، بیروت.

الرازی، فخر الدین، المباحث المشرقیة فی العلم الإلهیات والطبیعیات، تصحیح محمد معتمد بالله البغدادی، دارالکتب العربی، ۱۹۹۰، بیروت.

الرازی، فخر الدین، المطالب العالیة من العلم الإلهی، تصحیح أحمد حجازی السقا، دار الکتب العربی، ۱۹۸۷، بیروت.

الرازی، التفسیر الکبیر، مکتب تحقیق دار احیاء التراث العربی، الطبعة الرابعة، ۲۰۰۱، بیروت.

فارابی، محمد بن محمد، احصاء العلوم، شرح علی بو ملجم، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۹۶، بیروت.

الغزالی، محمد بن محمد، تهافت الفلاسفة، محقق: دنیا، سلیمان، ناشر: شمس تبریزی، ۱۳۸۲، تهران.

افتخاری، بنفشه، «ناسازگاری پیوسته‌گرایی هندسی و اتم‌گرایی کلام در آرا فخر رازی»، فلسفه علم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوفصل نامه علمی پژوهشی، سال هشتم، شماره پانزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۷ (۲۷ - ۱).

افتخاری، بنفشه، «نظریه اتم‌گرایانه حرکت فخر رازی در تراکنش با نظریه حرکت ارسطویی؛ رویکردی تحلیلی»، فلسفه علم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوفصل نامه علمی پژوهشی، سال نهم، شماره هفدهم بهار و تابستان ۱۳۹۸ (۱ - ۲۵).

- افتخاری، بنفشه، نظریه جزء لا یتجزی در طبیعیات فخر رازی، رساله کارشناسی ارشد، پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران، بهمن ۱۳۸۶.
- براتی، مرتضی، «بررسی تقریر اشاعره از نظریه خلق از عدم»، پژوهش‌های فلسفی، ۴-۱۱، ۱۳۸۶، ۱۳-۴۶.
- پورمحمدی، نعیمه، طاهری، سید صدرالدین، (۱۳۹۲). «مقارنه گرای (اکازیونالیزم) در مکتب دکارتی و اشعری»، نشریه پژوهش‌های ادیانی، ۱(۱)، ۳۱-۴۹.
- حسینی شاهرودی، سید مرتضی، مشهدی تکتم، «سنخیت از دیدگاه غزالی و ابن سینا»، مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام، سال ۴۴- ش ۸۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۷۵-۹۸.
- معصومی همدانی، حسین، «میان فلسفه و کلام: بحثی در آراء طبیعی فخر رازی»، معارف، دوره اول، فروردین ۱۳۶۵، ص ۱۹۵-۲۷۹.
- نیک‌سرشت، ایرج، «ضرورت فرض خلاء نزد اتمیان یونان باستان»، نامه علم و دین، ۹-۱۰، ۲۹ و ۳۲ (۱۳۸۵)، ص ۶۲-۳۹.

- Aristotle, PHYSICS, Translated by: Waterfield Robin (English), OXFORD University Press, 2008, New York.
- Aristotle, Metaphysics, Translated by W. D. Ross, Published by Digireads.com, Online version 2018.
- Eftekhari, Banafsheh, An Introduction to the Book "Proving Atomism", University of Lyon III (Phd Thesis), 2017, Lyon.
- El-Bizri, Nader, "Avicenna and Essentialism", The Review of Metaphysics, Vol. 54, No. 4 (Jun., 2001), pp. 753-778.
- Dhanani, Alnoor, THE PHYSICAL THEORY OF KALAM, Atoms, Space and Void in Basrian u'tazialah Cosmology, EJ.Brill Leiden, New York, Koln, 1994.
- Guyer, Paul, Idealism, Stanford encyclopedia of philosophy, 2015.
- Griffel, Frank, "Kalām", Encyclopedia of Medieval Philosophy, Springer, 2018, Dordrecht. [https://doi.org/10.1007/978-94-024-1151-5\\_286-2](https://doi.org/10.1007/978-94-024-1151-5_286-2)
- Ibrahim, Bilal, Beyond Atoms and Accidents, Fakh al-Dīn al-Rāzī and the New Ontology of Postclassical Kalām, Oriens, 48 (2020) 67-122.
- Lee, Sukjae, "Occasionalism", Stanford encyclopedia of philosophy, 2019.
- McGinnis, Jon, "Arabic and Islamic Natural Philosophy and Natural Science", Stanford encyclopedia of philosophy, 2013.
- Pines, Sholomo, Studies in Islamic Atomism, Translated by Schwarz Michael, The Magness Press, Jerusalem, 1997.
- Rashed, Marwan, "Natural Philosophy", The Cambridge Companion To Arabic Philosophy, Edited by Peter Adamson, Richard C Taylor, Cambridge University Press, 2005.

نسبت بین فیزیک اتم‌گرایی کلام به مادی‌گرایی و الحاد در رویکردی ... ۳۳

Richardson, Kara, "Causation in Arabic and Islamic Thought", Stanford encyclopedia of philosophy, 2015.

Setia, Adi, "Fakhr al-Din al-Razi on Physics and the nature of the physical world: a preliminary survey", Islam & Science, 2004.

Sabra, A.I., "The Simple Ontology of Kalam Atomism: An Outline", Early Science and Medicine, No:4, 2009.

Shomar, Tawfiq, "Causation and Order in Islamic Kalam", Conference: ORDER: GOD'S, MAN'S AND NATURE'S (ISSN 2045-5577), CPNSS, LSE, UK, 2011.

Guyer, Paul, Idealism, Stanford encyclopedia of philosophy, 2015.

Wolfson, Harry Austrian, The philosophy of the Kalam, Harvard University Press, Cambridge, 1976.

